

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم
دانشکده الهیات
پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

عنوان:

نقد و بررسی نظریه بسط تجربه نبوی با استناد به آیات و روایات

استاد راهنما:

دکتر سید رضا مؤدب

استاد مشاور:

دکتر غلامحسین اعرابی

نگارنده:

حمیدرضا یونسی

بهار ۱۳۸۸

۱۶ / ۷ / ۱۳۸۸

آموزشگاه عالی قم
شعبه عربی

۱۲۱۵۲۰

صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

با تاییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عجل... تعالی فرجه الشریف) جلسه دفاعیه پایان نامه

آقای: یونسی حمید رضا

به شماره دانشجویی: ۸۶۲۳۲۰۱۰۲۹

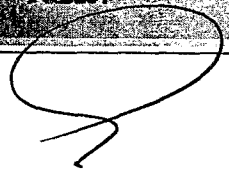
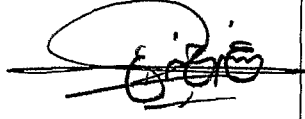


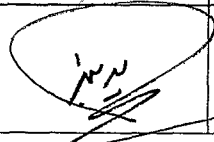
رشته: علوم قرآن و حدیث

تحت عنوان: بررسی و نقد نظریه تجربه نبوی به استناد آیات و روایات

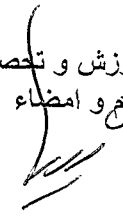
با حضور هیات داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ ۸۸/۰۴/۰۹ تشکیل گردید.

در این جلسه پایان نامه مذکور با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد ۱۹

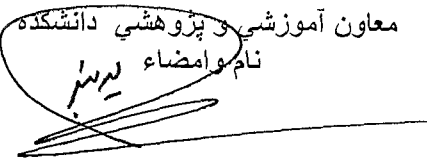
نمره به حروف **نوزده** را با درجه **عالی** دریافت نمود.

نام خا نوادگی و نام	سمت	رتبه علمی	امضاء
مودب سید رضا	استاد راهنما	استاد	
اعرابی غلامحسین	استاد مشاور	استادیار	
مفتح محمد هادی	استاد ناظر	استادیار	
نکونام جعفر	استاد ناظر	دانشیار	
دیرباز عسگر	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی	استادیار	

مدیر امور آموزش و تحصیلات تکمیلی
نام و امضاء



معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده
نام و امضاء



نشانی:
قم، جاده قدیم اصفهان،
دانشگاه قم
کدپستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱
تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱
دورنویس:
۲۸۵۵۶۸۴ معاونت آموزشی
۲۸۵۵۶۸۶ معاونت اداری
۲۸۵۵۶۸۸ معاونت دانشجویی

تقدیم به:

پیشگاه مقدس رسول اکرم (ص) و کریمه اهل بیت حضرت فاطمه
معصومه (س)

تقدیر و تشکر:

بدینوسیله از زحمات اساتید محترم جناب آقایان دکتر سیدرضا مؤدب و دکتر غلامحسین اعرابی که به ترتیب به عنوان استاد راهنما و مشاور در نگارش این پایان نامه به اینجانب کمک نمودند و از راهنمایی‌هایشان در طول تحصیل و مراحل تحقیق پایان بهره‌های فراوان بردم و هم‌چنین از زحمات مدیر محترم گروه علوم قرآن دانشکده و سایر اساتید محترم که در طول تحصیل در دانشگاه نکات ارزنده‌ای از آنها آموختم کمال تقدیر و تشکر را دارم.

چکیده

در این پژوهش با توجه به متن مقاله «بسط تجربه نبوی» و مصاحبه کلام محمد به بررسی و نقد این دیدگاه همت گمارده شده است. در این پژوهش ابتدا تعریف تجربه دینی و انواع آن در تفکرات غربی اسلامی مطرح شده است. در پی این مسئله بعد از معرفی مقاله بسط تجربه نبوی، و مصاحبه کلام محمد و این که فرآورده این نظریه چیست؟ به نقد آن با تکیه بر آیات و روایات پرداخته شده به شکلی که این نتیجه حاصل شد که خداوند متعال، قرآن کریم را با معنا و لفظ توأمان بر پیامبر اکرم (ص) نازل کرده است و رسول خدا (ص) نیز هیچ دخالتی در این معجزه الهی نداشته است. شاهد این ادعا نیز عدم اطلاق قرآن کریم بر صرف معانی آن، نسبت انزال قرآن کریم به خداوند نه پیامبر (ص)، دلالت آیات مصدر به «قل»، آیات مربوط به تحدی، آیات مربوط به وحی، دلالت سؤالات مطرح شده برای پیامبر اسلام (ص)، عدم دخالت پیامبر اکرم (ص) در قرآن کریم، توجه به بحث انزال در قرآن کریم، دسته‌بندی آیات شریفه به محکم و متشابه و اعجاز قرآن کرم دلیلی بر رد نظریه بسط تجربه نبوی، می‌باشد. در ادامه تحقیق نیز به بررسی سطر به سطر مقاله بسط تجربه نبوی پرداخته ۲۲ مورد از تناقض‌گویی‌های نویسنده مقاله بیان و بررسی شد، از جمله: پیامبری جدای از نفس تجربه دینی، وحی یا تجربه شاعرانه، احساس پیامبر از نوع احساس شعرا، تقویت و غنی در تجربه (پیامبری)، تأثیر داد و ستد پیغمبر در بسط رسالت او، ناتوانی معجزه در احراز نبوت نبی و ...

کلیدواژه‌ها: تجربه دینی، تجربه نبوی، وحی، اعجاز، محکم، متشابه، دین خداقلی، دین

خداکثری.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول:

کلیات

- ۱-۱. مقدمه ۲
- ۲-۱. بیان مسأله تحقیق ۳
- ۳-۱. اهمیت تحقیق ۳
- ۴-۱. سؤالات تحقیق ۴
- ۵-۱. فرضیات تحقیق ۴
- ۶-۱. هدف‌ها و کاربردهای مورد انتظار از انجام تحقیق ۵
- ۷-۱. پیشینه تحقیق ۶
- ۱-۷-۱. پیشینه بحث تجربه نبوی در غرب ۶
- ۲-۷-۱. پیشینه بحث تجربه نبوی در اسلام ۸
- ۱-۸-۱. معنای تجربه دینی در غرب ۱۰
- ۱-۸-۱. تجربه دینی نوعی احساس است ۱۱
- ۲-۸-۱. تجربه دینی نوعی تجربه مبتنی بر ادراک حسی است ۱۱
- ۳-۸-۱. تجربه دینی ارائه نوعی تبیین مافوق طبیعی است ۱۲

فصل دوم:

نظریه بسط تجربه نبوی و نقد و بررسی آن با استناد به برخی آیات و روایات

- ۱-۲. کلیاتی از مقاله «بسط تجربه نبوی» ۱۴
- ۲-۲. مصاحبه «کلام محمد» ۲۰
- ۳-۲. نقد نظریه بسط تجربه نبوی در سایه آیات و روایات ۲۴
- ۱-۳-۲. عدم اطلاق قرآن کریم بر صرف معانی آن ۲۴
- ۲-۳-۲. نسبت انزال قرآن کریم به خداوند نه پیامبر (ص) ۳۱
- ۳-۳-۲. دلالت آیات مصدر به قل ۳۵

- ۳۶..... ۴-۳-۲. دلالت سؤالات مطرح شده برای پیامبر(ص).....
- ۳۷..... ۵-۳-۲. آیات مربوط به وحی.....
- ۴۴..... ۶-۳-۲. آیات مربوط به تحدی.....
- ۴۸..... ۷-۳-۲. عدم دخالت پیامبر اکرم(ص) در قرآن کریم.....
- ۵۱..... ۸-۳-۲. توجه به بحث انزال در قرآن کریم.....
- ۵۶..... ۹-۳-۲. دسته‌بندی آیات شریفه به محکم و متشابه.....
- ۵۷..... ۱۰-۳-۲. اعجاز قرآن کریم دلیلی بر رد نظریه بسط تجربه نبوی.....
- ۶۳..... ۴-۲. جمع‌بندی.....

فصل سوم: بررسی تناقضات مقاله بسط تجربه نبوی

- ۶۶..... ۱-۳. پیامبری جدای از نفس تجربه دینی.....
- ۶۹..... ۲-۳. وحی یا تجربه شاعرانه.....
- ۷۱..... ۳-۳. احساس پیامبر از نوع احساس شعرا.....
- ۷۳..... ۴-۳. تقویت و غنی در تجربه(پیامبری).....
- ۷۴..... ۵-۳. تأثیر داد و ستد پیغمبر در بسط رسالت او.....
- ۸۰..... ۶-۳. ناتوانی معجزه در احراز نبوت نبی.....
- ۸۱..... ۷-۳. عدم اطلاع پیامبر نسبت به علوم آینده.....
- ۸۵..... ۸-۳. اشتباه در وحی.....
- ۸۹..... ۹-۳. تبعیت از تجربه پیامبر، شرط تبعیت از او.....
- ۹۰..... ۱۰-۳. خبره‌تر شدن پیامبر در دریافت وحی.....
- ۹۲..... ۱۱-۳. افزایش تحمل تدریجی پیامبر(ص) نسبت به دریافت وحی.....
- ۹۳..... ۱۲-۳. جبرئیل تابع پیامبر.....
- ۹۴..... ۱۳-۳. عدم نزول قرآن برای همیشه بر پیامبر.....
- ۹۷..... ۱۴-۳. دیالوگ؛ رابطه پیامبر با اجتماع.....
- ۹۹..... ۱۵-۳. تکثر و تنوع فهم از متون دینی.....
- ۱۰۱..... ۱۶-۳. اسلام؛ یک حرکت تاریخی و تاریخ مجسم یک مأموریت.....
- ۱۰۸..... ۱۷-۳. مضمون وحی؛ دریافت پیامبر.....
- ۱۱۱..... ۱۸-۳. نقش حالات پیامبر در قرآن.....
- ۱۱۲..... ۱۹-۳. نزول قرآن منوط به پرسش جامعه.....
- ۱۱۵..... ۲۰-۳. آیه اکمال ناظر به اکمال حداقلی نه حداکثری.....

- ۲۱-۳. عدم صحت «حسبنا معراج النبی و تجربه النبی»..... ۱۱۹
- ۲۲-۳. معرفت؛ مجموعه‌ای تکامل‌پذیر از آرای حق و باطل..... ۱۱۹
- ۲۳-۳. جمع‌بندی..... ۱۲۱
- فهرست منابع و مآخذ..... ۱۲۳

فصل اول:

کلیات

۱-۱. مقدمه

یکی از پرسش‌های قابل طرح درباره متن قرآن کریم آن است که آیا متن قرآن، به صورت کامل از سوی خدا نازل شده است یا اینکه فرشته وحی، پیامبر اکرم(ص) و یا دیگران نقشی در تکوین آن داشته‌اند؟ هرگونه موضع‌گیری و قضاوت پیشینی در خصوص پرسش یاد شده در چگونگی برداشت مفسران از قرآن کریم تأثیرگذار خواهد بود؛ زیرا اگر این امر مورد پذیرش و توجه مفسران قرار بگیرد که افزون بر محتوای قرآن، متن آن نیز به صورت کامل از سوی خداوند متعال نازل شده است، در مقام تبیین آن به گونه‌ای متفاوت از متون بشری با آن مواجه خواهیم شد و انتظاری فراتر از متون بشری از آن خواهیم داشت. بدین جهت در این خصوص دست کم چهار دیدگاه از سوی متفکران اسلامی درباره تکوین الفاظ و معانی قرآن مطرح و قابل بررسی می‌باشد که البته برخی از آنها صحیح می‌باشد و آنها به شرح ذیل است:

الف) محتوا و متن قرآن، از سوی خدا نازل شده است و پیامبر اکرم(ص) و فرشته وحی هیچ دخالتی در خلق معانی و گزینش الفاظ و عبارات قرآن نداشته‌اند.

ب) معانی قرآن از جانب خداست، ولی الفاظ و عبارات آن را حضرت جبرئیل(س) انتخاب و تنظیم کرده است.

ج) معانی قرآن از جانب خداست، ولی پیامبر اکرم(ص) معانی قرآن را به قالب زبان عربی درآورده است.

د) پیامبر اکرم(ص) محتوا و متن قرآن را انشاء کرده است.

اما آنچه که ما در این نوشتار به دنبال بررسی و نقد آن هستیم، همان نظریه «ج» است که به گونه‌ای دکتر عبدالکریم سروش در مقاله «بسط تجربه نبوی» آن را عنوان کرده است و بر

آن هستیم تا علاوه بر نقد این اعتقاد دیگر وجوه این نظریه را نیز این شاءالله مورد بررسی قرار دهیم.

۱-۲. بیان مسأله تحقیق

نظریه بسط تجربه نبوی و در پی آن مصاحبه کلام محمد، حامل پیامی است به این مضمون که قرآن کریم از نظر معنا از سوی خداوند متعال نازل شده است و از نظر لفظ به همت پیامبر اکرم(ص) تألیف شده است و این در حالی است که بسیاری از آیات و روایات نظری مغایر با این سخن را ارائه داده‌اند و بر این نظر هستند که لفظ و معنا هر دو از سوی خداوند متعال بوده و پیامبر اسلام(ص) تنها بشیر و نذیر بوده است که در این تبشیر و تنذیر آیات را به مردم همانگونه که بوده و از سوی خداوند متعال نازل شده بود به مردم ابلاغ می‌فرمود.

۱-۳. اهمیت تحقیق

ضرورت پرداختن به این موضوع از آن جهت است که اگر بتوان ثابت نمود که الفاظ قرآن کریم از سوی خداوند متعال تدوین نشده است و خداوند، تنها معانی آن را ارائه کرده و رسول خدا(ص) آن معانی را در قالب الفاظ بیان کرده است، دیگر قرآن کریم از نظر اعجاز لفظی نمی‌تواند هیچ ادعایی داشته باشد؛ زیرا معجزه امری است خارق‌العاده که از توان بشر خارج بوده و تنها در ید خداوند متعال است و از آنجایی که رسول خدا(ص) می‌فرماید: «من بشری مانند شما هستم»، پس این ادعا باید در تمامی جهات رعایت شود؛ یعنی اگر پیامبر اکرم(ص) بشری مانند من و شماست پس اعمالی انجام می‌دهد که در توان و حیطة وسع بشری باشد و این حیطة برای تمامی انسان‌ها قابل تجربه و کشف است و اگر بپذیریم که قرآن کریم فعلی از افعال پیامبر بزرگ(ص) است، پس قائل به بشری بودن قرآن کریم شده و بشری بودن قرآن کریم مستلزم آن است که هم‌نوعان آن پیامبر(ص) که همه از جنس بشر هستند، آنها نیز یارای ارائه آن را داشته باشند و این مسئله مخالف تحدی قرآن کریم بر مدعیان و مخالفان پیامبر اعظم(ص) است. پس یکی از از مهم‌ترین مسائلی که پیامد این پژوهش است،

آن است که وجه اعجازی قرآن را حفظ کرده و اجازه ورود دست‌اندازی هر کسی به ساحت پاک قرآن را نمی‌دهد.

۱-۴. سوالات تحقیق

در این تحقیق در پی پاسخ دادن به این سؤال اصلی هستیم که آیا لفظ و معنا هر دو از سوی خداوند متعال نازل شده است یا خیر؟ البته برای رسیدن به پاسخ این پرسش، سؤالاتی فرعی و جانبی برای رسیدن به این کبرای اصلی مطرح است که عبارتند از:

آیا پیامبر اکرم(ص) راه تجربه پیامبرانه را بر امت خود باز گذاشته است؟

آیا پیامبر(ص) همچون شاعری روز به روز بر تجربه شاعرانه‌اش افزوده شده، پیامبرتر می‌شود و دینش فربه‌تر می‌شود؟

آیا کوچکی و بزرگی آیات و سوره به ترتیب در مکه و مدینه دلیل بر پخته‌تر شدن و مجرب‌تر شدن پیامبر اکرم(ص) است؟

آیا داد و ستد پیامبر اعظم(ص) با بیرون از خود در بسط رسالت و بسط تجربه پیامبرانه ایشان تأثیر داشت؟

آیا این برداشت از آیه شریفه «اکمال دین» که منظور از اکمال حداقل ممکن دین است نه حداکثر آن، صحیح است؟

آیا پیامبر اکرم(ص) نسبت به علوم دیگر غیر از شریعت نیز آگاهی داشت، یا اینکه - نعوذ بالله - اطلاعات ایشان در علوم دیگر تنها در حد هم‌عصران ایشان بوده است؟

۱-۵. فرضیات تحقیق

آنچه که مفروض است این که قرآن کریم از نظر لفظ و معنا از سوی خداوند متعال نازل شده است و شاهد بر این ادعا خیل عظیم آیات و برخی از روایت است که در پژوهش ارائه خواهد شد. همچنین بر این باور هستیم که راه تجربه پیامبرانه بعد از پیامبر اکرم(ص) مسدود شده است و شاهد بر این ادعا می‌توان مسئله خاتمیت را عنوان کرد.

قوی‌تر شدن رسول خدا(ص) در مسئله نبوت و تجربه پیامبرانه‌اش مانند یک شاعر نیز امری غیر قابل قبول است؛ زیرا پذیرش این امر مستلزم پذیرش این مبناست که معنایی بر پیامبر

اکرم(ص) نازل شده است و ایشان تنها در حد توان خود از آن معنا برداشت کرده است و بعد هم آن را در قالب الفاظ به مردم ارائه کرده است و این در حالی است که اعتقاد ما بر این امر است که پیامبر اکرم(ص) در وحی هیچ دخالتی نداشته و هرچه بوده است از سمت خداوند آمده است بنابراین اعتقاد به مسئله باتجربه تر شدن پیامبر اکرم(ص) و فربه تر شدن دینش، حرفی پوچ و بی پایه است.

درباره آگاهی پیامبر اکرم(ص) نسبت به علوم غیر دینی همچون طبیعیات، فیزیک، شیمی و... همین بس که چگونه امام جعفر صادق(ع) توانایی ارائه پاسخ به مسائل مختلف را داشته است به طوری که طب جعفری حاصل می شود و یا توحید مفضل نگاشته می شود، اما اولین خلق و آفریده خدا و اسوه حسنه او چنین توانی را ندارد، ائمه ای که همه کلامشان را به پیامبر اکرم(ص) نسبت می دهند را یارای پاسخگویی به مسائل غیر دینی هست، اما این امر در مورد رسول خدا(ص) قابل قبول نیست؟!

۱-۶. هدفها و کاربردهای مورد انتظار از انجام تحقیق

در این تحقیق برآنیم تا بر مسئله الوهی بودن وحی؛ چه در لفظ و چه در معنا تأکید کرده و بعد از نقد و بررسی نظریه یاد شده، اعتقاد صحیح را بحمدالله و با یاری معصومان(ع) ارائه دهیم. همچنین نکته دیگری که در این تحقیق بسیار قابل اهمیت و بررسی است، مسئله امامت و نقش ایشان در تداوم دین اسلام است که در مقاله «بسط تجربه نبوی» یاد شده است، متأسفانه منزلت ائمه بزرگوار(ع) به اندازه مکاشفات عارفانه تنزل پیدا کرده است و ما بعد از نقد این دیدگاه که مؤلف با دستاویز کردن بزرگان خلقت(ع) قصد اثبات ادعای باطل خود را دارد، به بیان جایگاه راستین این بزرگواران(ع) در خلقت در حد توان خود می پردازیم.

هدف دیگری که در این پژوهش به دنبال آن هستیم این مسئله است که به نظر می رسد نویسنده مقاله «بسط تجربه نبوی» در مقاله خود دچار تناقض گویی شده است به شکلی که بخشی از کلام او در جای دیگر ناقض کلام اولش است. البته در این بخش ما بعد از بیان این تناقضها تنها به بیان برخی از ادله در حد اشاره خواهیم پرداخت تا این شاءالله برای محققان سودمند باشد و برای پاسخ کامل تر به آن، به پژوهش مفصل تری بپردازند. علت این امر هم آن

است که مجال رسیدن به پاسخ کامل برای هر یک از پرسش‌ها در این تحقیق، برای ما فراهم نیست و پاسخ به هر سؤال یا نکته، خود آفریننده یک تحقیق قابل توجه دیگر است.

۱-۷. پیشینه تحقیق

بحث تجربه دینی را در دو مرحله می‌توان ریشه‌یابی کرد؛ یکی در بین غربیان و دیگری در بین مسلمانان:

۱-۷-۱. پیشینه بحث تجربه دینی در غرب

مفهوم تجربه دینی برای نخستین بار در اواخر سده هجدهم میلادی توسط «شلایر ماخر» مطرح شده و در قرن نوزدهم مورد توجه جدی متفکران غربی واقع گردید.^۱ شلایر ماخر ادعا کرد که گوهر دین «احساس و توجه باطنی به بی‌نهایت» است، و اساسا دین جنبه ثانوی داشته و در واقع چیزی جز تجلی احساسات دینی نیستند. از نظر شلایر ماخر، دین، هویت مستقلی دارد و نباید به متافیزیک، یا اخلاق ارجاع شود. هویت و گوهر دین، نه اندیشه است و نه عمل، بلکه «احساس درونی و اتکای بی‌واسطه به واقعیت مطلق» است. به عبارت دیگر، ماخر معتقد است که دین نه علم ما بعدالطبیعه و نه علم اخلاق، بلکه از ریشه و اساس با آن دو متفاوت است؛ زیرا علم مابعدالطبیعه، حقیقت جهان و قوانین آن را از خود به هم می‌بافد و علم اخلاق از درون نهاد انسان و رابطه او با جهان، نظامی از وظایف را پدید می‌آورد، اما سر و کار دین نه با استنساخ متافیزیکی است، نه با آنکه جهان را برای برکشیدن قانون تعیین وظایف به کار می‌گیرد. دین نه دانش است نه اخلاق، بلکه احساس است.

شلایر ماخر دوستان هنرمند، شاعر و نقاد خود را در برلن در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم، قانع ساخت که حساسیت‌های آن‌ها با روح حقیقی حیات دینی بیشتر هماهنگ است تا با آنچه که در کلیساها جریان داشت. نیز مضامین کهنه و نامعقول و متناقض کتاب مقدس، پوسته دین بوده و آنچه که مهم است گوهر دینی؛ یعنی همان احساس درونی است؛ لطافت

۱. سید محمود نبویان، جستارهایی در باب دین و دنیای مدرن (تهران: انتشارات پرتوی ولایت، ۱۳۸۷)، ص ۲۳۰.

روح و طبع شاعرانه و عارفانه کاملاً با گوهر دین هماهنگ است و عقاید و آداب دینی که از آن گریزان هستند، ربطی به دین نداشته و از آن بیگانه‌اند.

هدف دوم شلایر ماخر، مصون‌سازی دین از نقادی‌های فیلسوفانی مانند کانت و هیوم بود. وقتی اعتقادات و مباحث نظری با حقیقت دین بیگانه باشد و تنها راه دسترسی به دین، عواطف و احساسات باشد، نه اندیشه و تعقل، دیگر جایی برای براهین اثبات وجود خدا باقی نمی‌ماند، و طبعاً نقدها و نقض‌های فیلسوفان ملحد، راه به جایی نخواهد برد؛ زیرا دین عنصری مستقل از مباحث نظری است و اثبات‌کنندگان و منکران وجود خدا که ضد یکدیگر برهان اقامه کرده و می‌کوشند قوه عاقله یکدیگر را متقاعد سازند که خدایی هست و یا خدایی نیست، هر دو بیراهه می‌روند؛ چون دین را باید در جایی دیگر جستجو کرد، جایگاه دین، نهان‌خانه دل است، نه اندیشه و فکر بشری.

شلایر ماخر در این موضوع دو کتاب به نام‌های «درباره دین» و «ایمان مسیحی» از خود برجای گذاشته است. در کتاب اول بر استقلال دین یا دینداری از کارکرد عقل نظری و عملی تأکید می‌کند؛ زیرا از نظر او دین نه راه اندیشیدن، نه طریق عمل، نه مجموعه‌ای از اعتقادات و نه مجموعه‌ای از مناسک دینی است، دینداری همان تجربه و احساس موجود نامتناهی است. وی در کتاب «احساس دینی» نقش یک متکلم را ایفا کرده و متعلق احساس دینی را وابستگی مطلق می‌داند.

به این ترتیب او با ادعای اینکه در دینداری، اعتقادات، نقش ندارند، توانسته بود به زعم خویش، دین مسیحیت را در عصر جدید، مطرح کرده و از آن دفاع کند؛ زیرا وقتی که اعتقادات و گزاره‌های دینی، اساس دین نباشد، دو اشکال نظریه کانت در زمینه معرفت‌شناسی و نیز تعارض با علوم تجربی، بر آن وارد نخواهد بود. و با توجه به اینکه گوهر دین، تجربه دینی و احساس درونی خاص است، این احساس و تجربه دینی در عصر روشنگری و هر زمان دیگر، قابل حصول و نیز قابل ارائه و دفاع خواهد بود.^۱

^۱. همان، ص ۲۳۷.

۱-۷-۲. پیشینه بحث تجربه دینی در اسلام

در رابطه با ریشه تجربه دینی در میان مسلمانان باید تصریح داشت که تمام متفکران اسلامی، مطابق با آموزه خود قرآن کریم و پیامبر اکرم(ص) و ائمه هدی(ع) قائلند که قرآن کریم، الفاظ خداوند متعال بوده که به سه صورت (وحی مستقیم از خداوند است، الفاظ از خداوند است اما از طریق جسمی مانند درخت به پیامبر اعطا می‌شود و یا الفاظ خداوند بوده که از طریق فرشته‌ای به پیامبر داده می‌شود) بر پیامبر اکرم(ص) نازل شده و پیامبر(ص) در آن هیچ نقشی نداشته است.

اما عده بسیار اندکی معتقدند که هیچ یک از سه طریق فوق صحیح نبوده و الفاظ کتب مقدس، الفاظ شخص پیامبر اکرم(ص) و اشخاص دیگر است و خداوند متعال صرفاً قابلیت را به پیامبر(ص) یا اشخاص دیگر اعطا کرده است و آن‌ها می‌توانند به واسطه آن استعداد و قابلیت خاص خویش، الفاظی را از ناحیه خودشان و نیز تحت تأثیر فرهنگ عصر خویش، بیان نمایند و همین الفاظ آن‌ها، کتب مقدس را تشکیل می‌دهد.^۱

بر اساس این دیدگاه، در واقع رسول خدا(ص)، تجربه روحی خود را در دستگاه مفهومی عربی و متناسب با آن شرایط تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی بیان و تعبیر کرده است، و مثلاً بهشت را به صورت «جنات» و زنان آن را سیاه چشم، نه آبی توصیف کرده است.^۲

این دیدگاه در میان قدما به «معمربن عباسلمی» (فوت ۲۲۸ قمری) که در میان متکلمان معتزلی، صاحب تفکرات خاصی بوده است، نسبت داده شده است که او بنا به نقل ابوالحسن اشعری^۳ با اعتقاد به اینکه کلام و سخن، عرض بوده و خداوند خالق عرض نمی‌باشد، معتقد است که وحی الهی اگر از یک درختی مثلاً ظاهر شود، درخت خالق آن است و یا اگر از انسانی مانند پیامبر ابراز گردد، پیامبر خالق و بوجود آورنده آن الفاظ می‌باشد. آسمانی و وحیانی بودن قرآن، مغایر با آن نیست که پیامبر(ص) در آن نقش داشته باشد، در واقع، خداوند در پیامبر استعدادی به ودیعت نهاده است که او می‌تواند هدایت باطنی خداوند را با قالب کلماتی از ناحیه خودش (که همان آیات الهی است) به زبان آورد.

^۱. همان، ص ۲۵۶.

^۲. همان، ص ۲۵۸.

^۳. علی بن اسماعیل الاشعری، مقالات الاسلامیین (بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۱۹هـ.ق)، ج ۲-۱، الجزء الاول، ص ۲۴۶.

برخی نیز پیشینه این دیدگاه را به ابن کلاب، متکلم معروف سده سوم هجری قمری رسانده‌اند. وی از تدوین کنندگان عقاید کلامی سلف است. ابن کلاب معتقد بود کلام خدا حقیقتی قدیم است و همچون ذات او تغییر نمی‌کند و در هیچ قالبی مجسم نمی‌شود. بنابراین آنچه ما با نام تورات، انجیل، یا قرآن می‌شناسیم، تعبیری از آن حقیقت است و نه عین آن. به عقیده وی طی نزول قرآن و شنیده شدن وحی توسط پیامبر اسلام (ص)، پدیده «تعبیر» تحقق یافت و قرآن واجد مشخصات زبان عربی شده است.

ظاهراً ابن کلاب معتقد بود با محدودیت‌هایی که در زبان عربی به عنوان یک پدیده مخلوق وجود دارد، کلام خدا در طی نزول، محدودیت پیدا کرده و بشری شده است و نمی‌توان گفت، آنچه به صورت قرآن در دسترس ما هست، عین کلام خداوند است.^۱

در سده اخیر برخی نویسندگان جهان اسلام با گرایش به این نظر، در صدد تقویت و ترویج آن برآمده‌اند. از این عده می‌توان از شاه ولی‌الله دهلوی و سیداحمدخان هندی نامی به میان آورد. سیداحمدخان هندی این سخن را که تنها مضامین قرآن بر پیامبر (ص) نازل شده است، از شاه ولی‌الله نقل می‌کند و آن را مردود می‌شمارد، اما خودش در صفحات بعد به نوعی همان دیدگاه دهلوی را تأیید می‌کند.^۲

همچنین در میان متأخرین و معاصرین، حسن حنفی (متولد ۱۹۳۵)، نصر حامد ابوزید (متولد ۱۹۴۳) از کشور مصر و عبدالکریم سروش نیز معتقدند که قرآن کریم، الفاظ پیامبر (ص) و متأثر از فرهنگ عرب است.^۳ سیدامیر علی هندی را نیز می‌توان از این دسته برشمرد.^۴

۱. کاظم موسوی بجنوردی، مدخل ابن کلاب در دائره المعارف بزرگ اسلامی (بی‌جا: [بی‌نا]، [بی‌تا])، ج ۴،

ص ۵۲۱-۵۱۹؛ ابراهیم کلاتری، قرآن و پاسخ‌گویی به نیازهای زمان (بی‌جا: [بی‌نا]، [بی‌تا])، ص ۸۸

۲. سید احمدخان هندی، تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان (بی‌جا: [بی‌نا]، [بی‌تا])، ج ۱، صفحات ۳۵-۳۴؛ اصل چهارم، ص ۳۵.

۳. سید محمود نبویان، جستارهایی در باب دین و دنیای مدرن (تهران: انتشارات پرتو ولایت، ۱۳۸۷)، ص ۲۵۶.

۴. احمد امین، زعماء الاصلاح فی العصر الحدیث (مصر: مکتبه النهضه المصریه، ۱۹۳۶م)، ص ۱۴۵-۱۳۹.

نصر حامد ابوزید که به اعتراف خود در ارائه نظریاتش درباره قرآن، بسیار متأثر از فوکو، برخی از زبان‌شناسان، عبدالقاهر جرجانی به قرائت امروزی آن، امین الخولی، محمداحمد خلف‌الله، شکری عیاد، همه نویسندگان هرمنوتیک، پدیدارشناسانی چون حنفی و برخی کتاب‌های مارکسیستی‌اش است،^۱ تفسیری خاص از دریافت وحی و نزول قرآن ارائه کرده و کوشیده تا برداشت‌های خود را از مقوله وحی و نزول قرآن با برخی دلایل درون‌دینی تأیید کند. با توجه به شهرت این آرا در برخی محافل آکادمیک و قرابت زیاد آن با آرای برخی نویسندگان داخلی درباره دیدگاه و مستندات او اندکی درنگ و تأمل می‌کنیم.

ابوزید در پاسخ به سؤالی درباره قرابت آرای وی با دیدگاه امثال دکتر سروش و مجتهد شبستری، پس از اشاره به برخی نقاط اختلاف، چنین اظهار می‌دارد: «جدا از برخی تفاوت‌های اندک، گمان می‌کنم که ما (من و سروش) هر دو نقطه عزیمت واحد و اهداف بسیار مشابه داریم. اما درباره استاد شبستری، تا آنجا که درباره ایشان شنیده‌ام و در مدت اقامت وی در شهر لیدن با وی گفتگو کردم، باید بگویم چنانچه آثار مکتوب ایشان همه از این قبیل باشد، من هیچ‌گونه اختلاف نظری با ایشان ندارم. در حقیقت برایم سعادت بزرگی بود که از محقق مسلمانی چون او شنیدم که هیچ چیزی در قرآن بذاته واضح نیست.»^۲

اما در میان نظریه‌پردازان شیعی معاصر، عبدالکریم سروش نظریه‌ای را در همین مضمون با عنوان «بسط تجربه نبوی» در تاریخ دوم مردادماه سال ۱۳۷۶ مصادف با ۱۷ ربیع‌الاول ۱۴۱۸ به مناسبت میلاد پیامبر اکرم (ص) در سخنرانی خود ارائه کرده است که محتوای این سخنرانی پیاده شده و در قالب مقاله‌ای با عنوان یاد شده در کتاب «بسط تجربه نبوی» وی منتشر شده است.

۱-۸. معنای تجربه دینی در غرب

مفهوم تجربه دینی در غرب متنوع و کسانی که درباره این مسئله پژوهش می‌کنند باید دقت کنند تا از تنوع آن غافل نمانند. در غرب سه تلقی از تجربه دینی می‌شود:

^۱ نصر حامد ابوزید، معنای متن، ترجمه: مرتضی کریمی‌نیا (تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۷)، ص ۵۰۹-۵۰۸.

^۲ همان، ص ۵۳۱-۵۳۰.

۱-۸-۱. تجربه دینی نوعی احساس است

فردریک شلایر ماخر در نوشته‌های پرنفوذش در قرن نوزدهم ادعا کرد که تجربه دینی، تجربه‌ای عقلی یا معرفتی نیست، بلکه «احساس اتکای مطلق و یکپارچه به مبدأ یا قدرتی متمایز از جهان است».^۱ این تجربه، تجربه‌ای شهودی است که اعتبارش قائم به خود است، و مستقبل از مفاهیم، تصورات، اعتقادات یا اعمال می‌باشد. چون این تجربه نوعی احساس است و از حد تمایزات مفهومی فراتر می‌رود؛ لذا نمی‌توانیم آن را توصیف کنیم. این تجربه حسی و عاطفی است نه معرفتی. افراد بسیاری، از جمله ردولف اوتو (۱۹۳۷ - ۱۸۶۹) تحت تأثیر این رأی قرار گرفتند.^۲

۱-۸-۲. تجربه دینی نوعی تجربه مبتنی بر ادراک حسی است

دیدگاه دوم این است که تجربه دینی نوعی ادراک حسی است. برای مثال، ویلیام آلستون (۱۹۲۱ -) معتقد است که تجربه دینی همان ساخت تجربه حسی را دارد.^۳ در ادراکات حسی معمولی (مانند وقتی که گربه‌ای را می‌بینیم)، سه جزء وجود دارد: شخصی که گربه را می‌بیند (مُدِرک)، گربه‌ای که مشاهده می‌شود (شیء مُدِرک)، و جلوه و ظاهر آن گربه (پدیدار). بر همین قیاس، وی معتقد است که در تجربه دینی هم سه جزء وجود دارد: شخصی که تجربه دینی را از سر می‌گذراند، خداوند که به تجربه درمی‌آید، و ظهور و تجلی خداوند بر آن شخص تجربه‌گر.

بحث‌های فلسفی زیادی در این باره درگرفته است که نحوه صحیح تحلیل ادراک حسی کدام است. بویژه سؤالاتی درباره شأن پدیدار مطرح شده است. اما همه متفق‌القول هستند که در ادراک حسی، اعیان خود را به نحوی به ما نشان می‌دهند که ما قادر به شناختشان باشیم. بر

1. Friedrich Schleiermacher/ The Christian Faith (Edinburgh: T. & T. Clark, 1928), p. 17

۲. مایکل پترسون و دیگران، عقل و اعتقادات دینی در آمدی بر فلسفه دین، ترجمه: احمد (آرش) نراقی و ابراهیم

سلطانی (تهران: انتشارات طرح نو، چاپ دوم، ۱۳۷۷)، ص ۴۱.

3. William Alston, <The Perception of God,> Topilosophy 16, no. (Fall 1988)